



وجودشناسی فیلسوفان مسلمان با زیبایی شناسی آمیختگی دارد

اگر به مبانی وجود شناسی در فلسفه اسلامی به طور وسیع نگریسته شود، مشخص می شود که وجود شناسی فیلسوفان مسلمان، از همان نقطه آغازین خود، با زیبایی شناسی آمیختگی داشته و اساساً، خلقت به عنوان فعلی زیبا شناسی و عالم خلقت به مثابه اثری هنری تبیین شده است.

خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه: اگر به مبانی وجود شناسی در فلسفه اسلامی به طور وسیع نگریسته شود، مشخص می شود که وجود شناسی فیلسوفان مسلمان، از همان نقطه آغازین خود، با زیبایی شناسی آمیختگی داشته و اساساً، خلقت به عنوان فعلی زیبا شناسی و عالم خلقت به مثابه اثری هنری تبیین شده است. زیبایی شناسی

فارابی در رساله های متعدد خود، از جمله رساله الدعای القلبیه و التعليقات، فلسفه خلقت را فلسفه عشق و سرور دانسته است. وی در کتاب فصوص الحکم، زیباترین و فصیح ترین شکل فلسفه خلقت را مشحون از رازهای نهفته در عشق و لذت می داند. ابن سینا در رساله عشق، طرح خود را درباره عشق و عشق شناسی مطرح می کند و معتقد است از آنجا که هر چیزی به مقتضای جمال ذاتی و عشق ذاتی حق، به جمال جمیل خویش و احسن خلق شده است، بنابراین هرچیزی واجد عشق و زیبایی و حب به زیبایی است و در غایت قصوای خویش، رو به سوی او و جمال او دارد، و هر شیء واجد غایات زیبایی شناختی است.

به عبارت دیگر، چون زیبایی و زیبایی شناسی و حب و عشق به زیبایی، اساس فلسفه خلقت است، پس زیبایی و زیبایی شناسی و حب و عشق به زیبایی، اساس فلسفه خلقت است، پس زیبایی و زیبا شناسی و عشق و عاشقی نیز در همه خلقت، از ابتدا تا انتها جریان دارد. وی همچون فارابی، بر این باور است که فقط عشق راز عنایت ربوبی را بر ملا می سازد و راز تعلق اراده خداوند به هر چیزی و هر شیء بر وجه زیباترین نظام ممکن، از خود عاشقی ذات ربوبی نشئت می گیرد.

سهروردی نیز بر این باور است که بدون خمیر مایه های عشق و زیبایی، نه جریان خلقت رقم می خورد و نه انسان می توانست به تبیین فلسفه خلقت بپردازد. وی رازهای جریان خلقت را در زیبایی شناسی و عشق شناسی جست و جو می کند و بر ملا می سازد و آن را فقط به زبان تمثیل و استعاره در خور بیان و تبیین می داند. سهروردی رساله فی الحقیقه العشق یا مونس العشاق را به همین دلیل ساخته و پرداخته است.

یکی از ویژگی های برجسته حکمت متعالیه، توجهی است که به زیباشناسی در صنایع لطیفه یا هنر دارد. وی از دیدگاه وجود شناسی، به هنر و زیبایی شناسی هنری و ارتباط عشق و هنر و نیز توانمندی های نهفته در هنر نگاه کرده و به جزئیاتی پرداخته که در افق زیبایی شناسی عصر جدید، جالب توجه و تأمل است.

درتبیین هویت زیباشناختی عالم خلقت، به مثابه نوعی محصول عالم صنع که ناشی از عشق و زیبایی و زیبا شناسی خداوند است، ملاصدرا با فارابی و ابن سینا و شیخ اشراق وجه اشتراک دارد؛ اما آنچه ملاصدرا را از بزرگان زیبا شناس و عشق شناس پیشین متمایز می کند، این است که او این بحث را مقدمه ورود خود به مباحث زیبایی شناسی در معاشقه های انسانی و ارتباط آن مباحث با صنایع لطیفه قرار داده است.

از نگاه ملاصدرا، آنچه در هنر به عنوان نحوه آفرینش زیبایی شناسی و خلق اثر هنری اتفاق می افتد، ظهوری از تجلی اسمای الهی در انسان است. بنابراین، آفرینش هنری در انسان، مرآتی برای آفرینش هنری خداوند است.

وی ابتدا آفرینش الهی را به عنوان «تصنیف الهی» تبیین می کند. آنگاه، به سراغ آفرینش های انسانی در عرصه های زیبایی شناسی و رابطه های آن با عاشق و معاشقه های انسانی می رود، همه آن ها را حاوی اسرار می داند و در همه آن ها پنجره هایی می بیند که اگر گشوده شود، نگاه انسان های هنرمند و زیبایی شناس و عاشق، به آسمان معطوف شده و آنگاه راه و روزنه ای از مجاز به حقیقت، فراروی انسان گشوده می شود. وی همه عالم و نیز انسان را به عینه کتاب و تصنیفی می داند که چون آن را مطالعه کند، جمال و جلال الهی مشاهده می شود.

ملاصدرا تصویرگری و نقش آفرینی خداوند در عالم و تزئین کردن آن را به انواع گوناگون زینت ها و زیبایی ها، با تصویرگری و زیباشناسی انسان مقایسه کرده است که در آثار تولیدی و صنعتی خویش اعمال می کند. سپس، نتیجه می گیرد همه آنچه در عالم انسانی از حیث جمال و زیبایی، اعم از اوصاف و افعال انسانی واقع می شود، صورت و جلوه ای از اسماء الله است. وی معتقد است علت اینکه انسان این زینت و تزئین و این صورت و تصویر جهان را می بیند و ذکر رب را فراموش می کند که در حقیقت، ذکر همان

مصور و مزین و همان فاعل نقاش است، ثمره اشتغال انسان به جنبه های صرفاً مادی این عالم است.

از عبارات ملاصدرا چنین بر می آید که او، موشکافانه، به ظرافت ها و دقایق موجود در فعالیت ها معطوف به تولید یک اثر است، از بعد زیبایی شناختی آت توجه کرده است. به این معنا که فرد دست اندرکار خلق یک اثر، چگونه اثر خود را می آراید، تزیین می کند و چگونه زیبا می سازد.

این مطالب کاملاً نشانگر آن است که ملاصدرا تا چه حد درباره فرایند خلق اثر و حالت ها و ویژگی های خالق اثر و نیز روابطی که بین خالق اثر و خود اثر وجود دارد، موشکافانه نظر کرده است.